Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies
Vol 32. No 4. Winter 2026
Received date: 2025.08.13
Acceptance date: 2025.11.03

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmessjournal.ir

Shifting Security Threat Patterns in Pakistan: From Overlapping Threats to the Erosion of State Authority

Somaye Morovati[1]

Abstract

Recent security developments in Pakistan indicate a fundamental shift in threat patterns and a gradual erosion of central state authority. The simultaneous operations of terrorist, separatist, and transnational groups across border and urban areas reflect the emergence of a heterogeneous erosive synergy among disparate actors, which, despite ideological differences, collectively undermine the state in practice. This study employs the theoretical framework of Heterogeneous Erosive Synergy and a qualitative–descriptive analytical approach to examine the mechanisms of this emerging pattern in Pakistan. The findings show that threat networks, through geographical dispersion, concurrent operations, and targeting of critical infrastructure—particularly projects associated with the China–Pakistan Economic Corridor—have imposed significant security costs, reduced foreign investment, and eroded government legitimacy. Based on field data and official reports (2023–2025), this pattern not only reflects a transformation in the nature of Pakistan's security threats but also signals the emergence of a new insecurity architecture in South Asia, challenging the distinction between internal threats and regional competition.

Keywords: Pakistan, Security Threats, Heterogeneous Synergy, Erosion of State Authority, Geography of Action, Terrorist Networks.

1 - Faculty member of the Abrar Contemporary Research Institute, Tehran Institute for Security and Progress Studies, Tehran, Iran.

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه
سال ۳۲، شماره ۴، پیاپی (۱۲۲)، زمستان ۱۴۰۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲
Home page: www.cmessjournal.ir

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

نوع مقاله: پژوهشی

تغییر الگوی تهدیدات امنیتی در پاکستان: از تداخل تهدید تا فرسایش اقتدار دولت

سمیه مروتی [۱]

چکیده

تحولات امنیتی پاکستان در سال‌های اخیر نشان از تغییر بنیادین در الگوی تهدید و فرسایش تدریجی اقتدار دولت مرکزی دارد. هم‌زمانی عملیات گروه‌های تروریستی، تجزیه‌طلب و فرا ملی در مناطق مرزی و شهری، بیانگر شکل‌گیری نوعی هم‌افزایی ناهمگون میان بازیگران ناهم‌سویه است که با وجود تفاوت ایدئولوژیک، در عمل به تضعیف دولت منجر شده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری «هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون» و رویکرد تحلیل کیفی-توصیفی، به بررسی ساز و کارهای این الگوی نوظهور در پاکستان می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های تهدید، از طریق پراکندگی جغرافیایی، هم‌زمانی عملیات و هدف‌گیری زیرساخت‌های حیاتی به‌ویژه پروژه‌های مرتبط با کریدور اقتصادی چین-پاکستان موجب تحمیل هزینه‌های امنیتی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و افت مشروعیت دولت شده‌اند. بر اساس تحلیل داده‌های میدانی و گزارش‌های رسمی (۲۰۲۳-۲۰۲۵)، این الگو نه تنها بیانگر دگرگونی در ماهیت تهدیدات امنیتی پاکستان است، بلکه نشان‌دهنده ظهور معماری جدید ناامنی در جنوب آسیا است که مرز میان تهدید داخلی و رقابت منطقه‌ای را به چالش می‌کشد.

واژگان کلیدی: پاکستان، تهدیدات امنیتی، هم‌افزایی ناهمگون، فرسایش اقتدار دولت، جغرافیای اقدام، شبکه‌های تروریستی.

۱ - عضو هیأت علمی پژوهشکده ابرار معاصر تهران، پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت، تهران، ایران.
s.morovatti@gmail.com

مقدمه

در سال ۲۰۲۴، پاکستان با افزایش چشمگیر عملیات‌های تروریستی، تنش‌های مرزی و تعمیق بحران‌های امنیتی مواجه شد. افزایش شمار تهدیدات تروریستی در کنار تنش‌های هم‌زمان با هند و افغانستان موجب شد که این کشور بالاترین آمار کشته‌ها، زخمی‌ها و عملیات‌های تروریستی یک دهه اخیر را ثبت کند. این روند، پرسشی اساسی را در برابر نخبگان امنیتی و تحلیلگران منطقه‌ای قرار داد «چه عواملی موجب تغییر الگوی تهدید و جغرافیای اقدام گروه‌های تروریستی در پاکستان شده است؟». همسایگی پاکستان با محیط‌های دارای ضریب امنیتی بالا مانند کشمیر و افغانستان و نیز ظرفیت بالای این کشور در تسری بحران‌های داخلی به عرصه منطقه‌ای، باعث شده تغییر سویه تهدید در آن، نه تنها برای مقامات سیاسی و امنیتی پاکستان، بلکه برای کشورهای همجوار و بازیگران فرا منطقه‌ای نیز اهمیت یابد.

ویژگی متمایز تهدیدات اخیر نسبت به سال‌های پیشین، تغییر در جغرافیای تهدید و هم‌زمانی عملیات گروه‌های جدایی‌طلب و افراطی است. این تغییر موجب پراکندگی نیروهای نظامی و امنیتی در سراسر کشور و در نتیجه فرسایش توان و اقتدار ساختار امنیتی دولت مرکزی شده است. اگر پیش‌تر فعالیت‌های تروریستی عمدتاً به مناطق خاصی چون ایالت خیبرپختونخوا، نواحی مرزی افغانستان و بخش‌هایی از ایالت بلوچستان محدود می‌شد و اهداف آنها عمدتاً نیروهای نظامی، امنیتی و مذهبی بودند، در الگوی جدید، تمرکز عملیات‌ها به سمت زیرساخت‌های حیاتی، مراکز صنعتی، شهروندان خارجی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی تغییر یافته است.

در این میان، حملات هدفمند به پروژه‌های «کریدور اقتصادی چین–پاکستان» و اتباع چینی در سال ۲۰۲۴ نقطه عطفی در روند تهدیدات بود. این حملات سبب صدور هشدار رسمی وزارت خارجه چین و طرح احتمال تعلیق همکاری‌های اقتصادی با پاکستان در چارچوب سی‌پک شد. اهمیت این پروژه برای اسلام‌آباد در چند بُعد قابل توجه است: از یک‌سو، تداوم سرمایه‌گذاری‌های چین تنها مسیر نجات اقتصاد شکننده پاکستان از ورطه فروپاشی مالی تلقی می‌شود و از سوی دیگر، تکیه بر سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند مانع تشدید نارضایتی‌های اجتماعی و احیای شورش‌های سیاسی پس از تحولات داخلی سال‌های اخیر گردد.

در واکنش به این وضعیت، مقامات پاکستانی بارها از دست‌های خارجی در تغییر الگوی تهدید گروه‌های افراطی پاکستان‌پایه مانند تحریک طالبان پاکستان سخن گفته‌اند و آن را بخشی از طرح‌های ضد پاکستانی

برای دستکاری ساختار امنیت داخلی کشور دانسته‌اند. هم‌زمان، درگیری اخیر با هند نیز این گمانه را تقویت کرد که بخشی از ناامنی‌های جدید در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیکی مهار چین و تضعیف پاکستان قابل تفسیر است. از نگاه اسلام‌آباد، تغییر سویه تهدید، گسترش جغرافیای عملیات و هم‌زمانی حملات گروه‌های افراطی نمی‌تواند پدیده‌ای صرفاً تصادفی باشد.

در این چارچوب، ارتش آزادی‌بخش بلوچستان، تحریک طالبان پاکستان و دیگر گروه‌های افراطی، با درک حساسیت دولت نسبت به امنیت سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش کرده‌اند از آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و سیاسی کشور حداکثر بهره‌برداری را ببرند. تمرکز آنها اکنون بر هدف قرار دادن اتباع خارجی (به‌ویژه شهروندان چینی)، زیرساخت‌های حیاتی مانند بنادر، معادن، بزرگراه‌ها و خطوط راه‌آهن و نیز تضعیف تصویر اقتدار نظامی و امنیتی دولت مرکزی است.

بر این اساس، نوشتار حاضر با تمرکز بر تغییر الگوی تهدید در پاکستان، تلاش می‌کند ابعاد، عوامل و پیامدهای این تغییر را در پرتو تحولات اخیر، از جمله افزایش حملات هماهنگ و تغییر اهداف راهبردی گروه‌های تروریستی، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۱. چارچوب نظری و شرحی بر آن

رصد تحولات اخیر پاکستان نشان می‌دهد که ساختار تهدید در این کشور از الگوی سنتی و منفرد عملیات‌ها فاصله گرفته و به سمت هم‌راستایی رفتاری و عملیاتی میان گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب حرکت کرده است. این هم‌زمانی و هم‌پوشانی در عملکرد، بدون وجود ائتلاف رسمی یا اشتراک ایدئولوژیک، در عمل به فرسایش اقتدار دولت مرکزی و تضعیف کنترل امنیتی آن انجامیده است. چنین پدیده‌ای را نمی‌توان با چارچوب‌های کلاسیک امنیتی مانند نظریه دولت‌های شکننده یا نظریه تهدیدات متقارن به درستی توضیح داد، زیرا این چارچوب‌ها بر تحلیل تهدیدات منفرد یا ائتلاف‌های رسمی متکی هستند و توان تبیین تعاملات غیر رسمی و فرصت‌طلبانه «شبکه‌های ناهمگون تهدید» را ندارند.

از این رو، لازم است چارچوبی نظری برگزیده شود که بتواند ضمن حفظ دقت تحلیلی، پیچیدگی‌های پویای محیط امنیتی پاکستان و روابط غیر خطی میان بازیگران غیر دولتی را درک و تبیین کند. در این راستا، نظریه «هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون»[1] به‌عنوان یک چارچوب میان رشته‌ای برگزیده شده است؛

1 - Heterogeneous Erosive Synergy

نظریه‌ای که امکان فهم رفتار شبکه‌های تهدید را نه به صورت منفرد بلکه در قالب سامانه‌ای از تعاملات موقتی و تطبیقی فراهم می‌سازد (Ge, et al., 2025; Rana, 2017).

این نظریه در اصل در علوم محیطی و زمین‌شناسی برای تحلیل رفتار سیستم‌های پیچیده و دینامیک‌های وابسته به بازخوردهای متقابل میان اجزای ناهمگون به کار رفته است؛ با این حال، در این پژوهش با بازآفرینی آن در بستر مطالعات امنیتی، تلاش می‌شود تا ابزاری مفهومی برای تبیین الگوی اقدام نانوشته و هم‌افزا میان گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب پاکستان ارائه گردد. انتخاب این نظریه، نه از سر نوآوری صرف، بلکه بر اساس نیاز پژوهش به چارچوبی است که بتواند تغییر ماهیت تهدید از رقابت منفرد به همکاری تاکتیکی پنهان را توضیح دهد.

در چارچوب این نظریه، فرض بر آن است که سیستم‌های امنیتی و سیاسی –همچون دیگر سیستم‌های پیچیده– از اجزای متعدد و متنوع تشکیل شده‌اند که به طور مداوم در حال تعامل، سازگاری و بازتولید رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی هستند. هر جزء (اعم از گروه تروریستی، جنبش جدایی‌طلب یا بازیگر خارجی) می‌تواند بسته به شرایط، به صورت کوتاه مدت از فرصت‌ها و ظرفیت‌های دیگر اجزا بهره‌برداری کند تا به اهداف خود برسد. در نتیجه، هدف، نسبت به نوع همکاری یا منبع آن، ارجحیت می‌یابد و این دقیقاً همان الگویی است که در پاکستان قابل مشاهده است: همکاری‌های غیر رسمی، کوتاه مدت، ناهمگون و در عین حال مؤثر در فرسایش اقتدار دولت.

بنابراین، انتخاب نظریه هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون در این پژوهش مبتنی بر دو منطق علمی است: ۱. توان تبیینی: این نظریه قادر است پدیده هم‌زمانی و تعامل غیر رسمی گروه‌های متنوع را توضیح دهد، در حالی که نظریات سنتی امنیت ملی از درک آن ناتوان هستند؛ ۲. انعطاف تحلیلی: با توجه به خاستگاه میان رشته‌ای آن، این نظریه امکان انطباق با شرایط امنیتی، سیاسی و اجتماعی پاکستان را فراهم می‌کند و می‌تواند پویایی الگوی تهدیدات امنیتی در این کشور را در نظامی نظری قابل دسترس بازنمایی کند. بر این اساس، نوشتار حاضر نظریه یاد شده را در قالبی جدید و متناسب با فضای مطالعات امنیتی سامان داده و با اتکا به کلیدواژگان اصلی پژوهش، از جمله «شبکه‌های تهدید»، «اتحاد عملکردی نانوشته» و «فرسایش اقتدار دولت» آن را به‌عنوان چارچوب تحلیلی اصلی خود به کار می‌گیرد و سعی دارد در قالب فوق آن را بازآرایی و به‌عنوان الگویی جدید در مطالعات امنیتی مطرح کند.

۱-۱- ماهیت ناهمگون و موقت اتحادها

همان‌گونه که ذکر آن رفت، هسته اصلی این چارچوب نظری بر مدار «ماهیت ناهمگون و موقت اتحادها» قرار دارد و با این درک می‌توان پا را فراتر از چارچوب سنتی ائتلاف‌ها قرار داد. اتحادها لزوماً بر پایه ایدئولوژی مشترک یا اهداف بلند مدت شکل نمی‌گیرند، بلکه، گروه‌هایی با اهداف و ایدئولوژی‌های متفاوت (مانند تروریست‌های مذهبی، جدایی‌طلبان قومی و حتی گروه‌های جنایتکار سازمان یافته) می‌توانند به صورت مقطعی و تاکتیکی همگرا شوند. از ویژگی‌های برجسته آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) همگرایی تاکتیکی و نه ایدئولوژیک: گروه‌ها به دلیل اهداف کوتاه مدت و فرصت‌طلبانه (مانند کسب منابع مالی، تسلیحات، پناهگاه، یا ایجاد اختلال در توانایی‌های دولت) به یکدیگر نزدیک می‌شوند و مهم‌ترین محورهای آن عبارت هستند از:

– نبود اشتراک ایدئولوژیک عمیق: بر خلاف اتحادهای کلاسیک که بر پایه ایدئولوژی مشترک (مثلاً کمونیسم یا پان‌عربیسم) شکل می‌گرفتند، در این هم‌افزایی، گروه‌ها ممکن است دارای ایدئولوژی‌های متضاد یا حداقل بسیار متفاوت باشند. برای مثال، تحریک طالبان پاکستان دارای ایدئولوژی اسلام‌گرای افراطی و هدف‌گذاری ایجاد یک امارت اسلامی در پاکستان است. در مقابل، گروه‌های جدایی‌طلب بلوچ مانند ارتش آزادی‌بخش بلوچستان یا ارتش آزادی‌بخش سند، اهداف سکولار، ناسیونالیستی و قومی‌گرایانه دارند و به دنبال استقلال یا خودمختاری سرزمین‌های خود هستند. این دو گروه نه تنها اهداف متفاوتی دارند، بلکه ارزش‌های بنیادین آنها نیز در تضاد است (Abbas, 2020; UNSC, 2021).

– اهداف کوتاه مدت و فرصت‌طلبانه: گروه‌ها صرفاً به دلیل منافع فوری و تاکتیکی در یک بازه زمانی مشخص در کنار هم قرار می‌گیرند؛ که این مسئله می‌تواند به صورت ناخودآگاه باشد. از زمره دلایلی که این گروه‌ها به سمت اتحاد تاکتیکی پیش می‌روند:

۱. کاهش فشار دولت: تعدد حضور و گسترش جغرافیای اقدام موجب کاهش تمرکز و فشار دولت روی یک گروه خاص می‌شود و همچنین، موجب پراکندگی نیروهای امنیتی و به تبع آن افزایش فشار بر توانمندی این نیروها خواهد شد؛

۲. دسترسی به منابع: اتحادهای موقت می‌تواند موجب اتصال شبکه داده‌ای، لجستیکی و ارتباطی میان گروه‌ها شود؛ همچنین، این گروه‌ها می‌توانند به وقت ضرورت نیازهای یکدیگر را مرتفع سازند و امکان

طرح‌ریزی عملیاتی دولت برای انسداد حوزه اقدام و شبکه تأمین این گروه‌ها را به حداقل برسانند. نکته مهم، این مبادلات پنهان و برای بازه زمانی مشخص است و تعهدی بلند مدت را برای گروه‌ها ایجاد نمی‌کند؛

۳. ایجاد و تسری بی‌ثباتی در جغرافیای وسیع‌تر: هدف مشترک این گروه‌ها تضعیف و فرسایش دولت مرکزی است. از این رو، عملیات هم‌زمان و یا در بازه زمانی نزدیک به هم تأثیر مخربی بر اعتبار و اقتدار دولت مرکزی خواهد گزارد و دولت را ناگزیر از تمرکز بیشتر بر پهنه جغرافیای وسیع‌تر خواهد کرد. بی‌تردید، استمرار حضور نیروهای نظامی و امنیتی در جغرافیای اقدام تمرکز این نیروها بر تهدیدات اولویت‌دار را کاهش خواهد داد و همین مسئله، ظنِ وجود دست خارجی را برای مقامات پاکستانی پررنگ کرده است؛

۴. نمود نقاط ضعف دولت: وقوع موارد گفته شده موجب بروزیافتگی و شناسایی نقاط ضعف نهادهای نظامی، امنیتی و سیاسی خواهد شد. همچنین، آستانه رزم دولت جهت کاربرد خشونت سخت در مناطق شهری (تراکم جمعیت غیر نظامی) نمایان خواهد شد و این یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هم‌افزایی شبکه‌های تهدید برای آنها و بازیگران رقیب جهت ارزیابی کنش‌ها و واکنش دولت مرکزی (پاکستان) خواهد بود (UN Security Council, 2022 & Christia, 2021& Walter, 2022).

ب) فقدان ساختار سازمانی مشترک: نکته حائز اهمیت در این گروه‌ها «حفظ استقلال عملکردی» آنها است. به‌عبارت بهتر، نبود اتاق جنگ به‌عنوان مرکزی برای فرماندهی مشترک عملیات‌ها و وجود سلسله مراتب فرماندهی جهت مدیریت اقدام گروه‌های مختلف از زمره ویژگی‌های مهم است. این گروه‌ها هویت سازمانی، سامان رهبری و فرایندهای تصمیم‌گیری خود را حفظ می‌کنند.

ج) هماهنگی غیر رسمی و پنهان: این گروه‌ها با اتکا به شبکه‌های خود ممکن است «دسترسی»های شبکه‌های تهدید جدید را ارتقا بخشند؛ این امکان سبب ارتقای مهارت، نفوذ، بی‌نیازی از حضور مستقیم و قدرت تخریب این گروه‌ها نیز خواهد شد. همچنین، این گروه‌ها منبع «الهام» یکدیگر قرار می‌گیرند و به طرق مختلف از درس‌آموخته‌های یکدیگر بهره می‌برند (Zahid, 2021). فارغ از رقابت و تخاصم احتمالی این گروه‌ها باهم، بقای آنها در گروه وجود شبکه‌های تهدید متعدد جهت کاهش تمرکز دولت‌ها و شناسایی آنها به‌عنوان منابع تهدید است. نکته حائز اهمیت دیگر، اقدام این گروه‌ها ولو به صورت ناخواسته سبب تغییر جهت تمرکز و کاهش سطح فشار بر دیگر گروه‌ها می‌شود؛ از این رو، میدان رزم

گروه الف در منطقه جغرافیایی مشترک، منافع مشخصی را نیز برای گروه ب در بر خواهد داشت (Asal, et al. 2022 & Phillips, 2021).

۱-۲- پویایی فرسایش قدرت دولت: مکانیسم‌های تحلیل‌برنده

این چارچوب بر سامانی تمرکز دارد که از طریق آنها این هم‌افزایی ناهمگون به فرسایش قدرت دولت مرکزی منجر می‌شود و چگونگی اقدامات هم‌افزای گروه‌های ناهمگون (و حتی ناهماهنگ) که منجر به ایجاد موجی از حملات بر سامان نهاد دولت را مورد بررسی قرار می‌دهد (International Crisis Group, 2022; Siddiqa, 2023) & که از آن زمره می‌توان به مؤلفه‌های ذیل اشاره کرد:

- **پراکندگی تهدید**: دولت مجبور است منابع امنیتی خود را برای مقابله با تهدیدات متعدد و غیر مرتبط پراکنده کند که این امر کارایی کلی آن را کاهش می‌دهد که در این چارچوب می‌توان به سه محور ذیل اشاره کرد: ۱. کشش و تاب‌آوری منابع امنیتی برای حضور هم‌زمان در مناطق جغرافیایی (برای مثال، عملیات هم‌زمان علیه ارتش آزادی‌بخش بلوچ، تحریک طالبان در خیبرپختونخوا و ارتش آزادی‌بخش سند)؛ ۲. افزایش هزینه‌های مالی شامل هزینه‌های عملیاتی (لجستیک، تسلیحات و مراقبت‌های پزشکی)، اطلاعاتی (جمع‌آوری، تحلیل و فناوری‌های شنود و اقدام) و هزینه‌های بازسازی زیرساخت آسیب دیده در عملیات و هزینه‌کرد جهت بازگشت اعتماد عمومی؛ ۳. تحلیل نیروهای رزم و تحلیل عملیات.
- **تحمیل هزینه و فرسایش منابع**: اقدامات هماهنگ (یا ناخودآگاه هم‌افزا) این گروه‌ها، هزینه‌های امنیتی، اطلاعاتی و لجستیکی گزافی را به دولت تحمیل می‌کند که به مرور زمان توانایی‌های مالی و انسانی آن را فرسایش می‌دهد.
- **کاهش مشروعیت و کنترل فضایی**: حملات متعدد و ناگهانی در مناطق مختلف، حس ناامنی را افزایش داده و اعتماد عمومی به توانایی دولت در تأمین امنیت را از بین می‌برد. این امر به کاهش «کنترل فضایی» دولت در مناطق حاشیه‌ای یا حتی مرکزی منجر می‌شود.
- **ایجاد مناطق خاکستری**: این هم‌افزایی می‌تواند منجر به ایجاد مناطقی شود که نه تحت کنترل کامل دولت هستند و نه به طور کامل تحت کنترل گروه‌های شورشی، بلکه فضایی مبهم از بی‌قانونی و نفوذ چندگانه را شکل می‌دهند (Findley & Young, 2022 & Berti, & Paris, 2020).
- **تضعیف نهادهای دولتی و ایجاد چرخه معیوب**: این پویایی به صورت یک چرخه بازخورد منفی عمل و خود را تقویت می‌کند که از آن زمره می‌توان به ۱. فشار بر سیستم قضایی، نظامی و امنیتی:

حملات تروریستی و شورشی، سیستم‌های قضایی و پلیس را تحت فشار قرار می‌دهد. آنها ممکن است به دلیل ترس از انتقام، فساد، یا کمبود منابع، نتوانند وظایف خود را به درستی انجام دهند. این وضعیت به گروه‌های مهاجم اجازه می‌دهد تا با مصونیت بیشتری دست به اقدام بزنند؛ ۲. تغییر اولویت‌های بودجه‌ای: تهدیدات تروریستی با سویه امنیتی که گمانه دست خارجی با هدف تضعیف اقتدار دولت مرکزی در آن می‌رود؛ بی‌تردید، اولویت‌های بودجه‌ای دولت‌ها را تغییر خواهد داد و بودجه بخش‌هایی چون آموزش، بهداشت و زیرساخت به سمت نهادهای نظامی و امنیتی سوق پیدا خواهد کرد. کاهش سرمایه‌گذاری اجتماعی نیز به‌تدریج نارضایتی‌های اجتماعی را افزایش داده و چرخه خشونت را بعد دیگری خواهد بخشید. ۳. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و فرار سرمایه: از زمره مهم‌ترین پیامدهای گسترش ناامنی و بی‌ثباتی فرار سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی است که این مسئله نیز منجر به کاهش فرصت‌های شغلی، گسترش فقر و به تبع آن کاهش سرمایه‌های اجتماعی خواهد شد. از این رو، تمرکز گروه‌های تهدید روی پروژه‌های زیرساختی با تأکید بر پروژه‌های بین‌المللی معنا می‌یابد؛ ۴. افزایش قطب‌بندی و شکاف‌های اجتماعی: مبارزه دولت با گروه‌های تهدید ناگزیر به سمت سرکوب و توسل به خشونت خواهد شد؛ علی‌رغم مطالبه اجتماعی برای بازگشت آرامش و ثبات به جامعه، کاربرد خشونت از سوی نیروهای دولتی و تغییر چهره زیست شهری می‌تواند زمینه تقویت شکاف‌های موجود در جامعه با تأکید بر شکاف‌های قومی و مذهبی را سبب شود. تجربه نشان داده گسترش خشونت علیه گروه‌های جدایی‌طلب قومی به‌تدریج گروه‌های میانه‌رو را نیز به سمت انفعال (در نتیجه کاهش قدرت نفوذ دولت) و یا افراط (به سمت گروه‌های تهدید) پیش خواهد برد (Fearon & Laitin, 2020: 315-332).

۱-۳- نقش عوامل کاتالیزور و تسهیل‌کننده: بسترسازی هم‌افزایی

عوامل متعددی در شکل‌گیری و دوام این هم‌افزایی فرسایشی نقش دارند که از آن زمره می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۳-۱- بحران‌های منطقه‌ای و فرا مرزی: بی‌ثباتی در کشورهای همسایه (مانند افغانستان برای پاکستان)، جریان تسلیحات، جنگجویان خارجی و ایدئولوژی‌های افراطی می‌تواند این هم‌افزایی را تقویت و مدیریت خطوط مرزی را برای دولت دشوار کند. در این چارچوب سه محور نیازمند توجه است: ۱. بی‌ثباتی در کشورهای همسایه: جنگ داخلی، بی‌ثباتی و ضعف نهاد دولت در کشور همسایه

زمینه را برای تبدیل آن کشور به پناهگاهی امن برای گروه‌های غیر دولتی (اعم از تروریستی و جدایی‌طلب) و اتصال آن به شبکه تهدید فرا مرزی فراهم می‌کند. این مناطق می‌توانند به‌عنوان پایگاه آموزشی، لجستیکی و حتی نقطه عبور برای حملات به کشور هدف عمل کنند. در این چارچوب می‌توان به پناه‌گیری تحریک طالبان پاکستان در افغانستان اشاره کرد؛ ۲. جریان تسلیحات و جنگجویان خارجی: با ضعف نهاد دولت و گسترش بی‌ثباتی، بازار سیاه، دالان تسلیحات و شبکه فرا مرزی تهدید رونق می‌گیرد. این وضعیت به گروه‌های تهدید این امکان را می‌دهد تا به تسلیحات مورد نیاز، نیروی رزم متبحر در جغرافیای انتخابی دسترسی حداکثری داشته باشند و حتی در برخی موارد به تبادل تاکتیک و اشتراک اطلاعات دست بزنند؛ ۳. ایدئولوژی‌های افراطی فرا مرزی: گسترش ایدئولوژی‌های افراطی (مانند جهادی‌گری فرا ملی) از یک کشور به کشور دیگر، زمینه جذب نیرو، الهام‌بخشی از ایده‌ها و عملیات و نیز شکل‌گیری سطحی از «اراده» و «جسارت» برای به چالش کشیدن دولت مرکزی جهت ساخت «اعتبار» را فراهم می‌کند (Gutiérrez-Sanín & Wood, 2023: 570-586 & Byman, 2020).

۱-۳-۲- شکاف‌های داخلی و ضعف نهادی: فساد، سوءمدیریت، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، بی‌عدالتی و فقدان مشارکت سیاسی، نارضایتی‌ها را عمیق‌تر کرده و زمینه جذب نیرو برای گروه‌های افراطی را فراهم می‌سازد. ضعف نهادهای امنیتی و اطلاعاتی نیز در شناسایی و مقابله با این هم‌افزایی‌ها نقش دارند. از زمره مواردی که گروه‌های تهدید با بهره‌برداری از آن به دولت آسیب وارد می‌کنند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- فساد و سوءمدیریت: فساد در دستگاه‌های دولتی، نظامی و امنیتی زمینه کاهش توانمندی دولت در جمع‌آوری اطلاعات، اجرای قانون و مقابله اثرگذار و بازدارنده با تهدیدات داخلی را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی زمینه برای پولشویی و فعالیت شبکه‌های فساد برای تأمین مالی عملیات فراهم می‌شود. سوءمدیریت نیز به معنای عدم تخصیص بهینه منابع و ناکارآمدی در پاسخ به تهدیدات از زمره مهم‌ترین آسیب‌ها است.

- نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی: فقر، بیکاری، عدم دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی و نابرابری در توزیع ثروت، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای، زمینه مساعدی برای نارضایتی‌های عمومی ایجاد می‌کند. گروه‌های جدایی‌طلب و تروریستی می‌توانند از این نارضایتی‌ها برای جذب نیرو و مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود بهره‌برداری کنند. مثال بارز آن گروه‌های جدایی‌طلب بلوچ در ایالت بلوچستان پاکستان است.

– بی‌عدالتی و عدم مشارکت سیاسی: نبود ساز و کارهای دموکراتیک و شفاف برای مشارکت گروه‌های قومی و اقلیت‌ها ساختار قدرت زمینه را برای تقویت احساس «محرومیت» و «طردشدگی» ایجاد می‌کند و در چنین فضایی گروه‌های جدایی‌طلب می‌توانند خود را به‌عنوان «نمایندگان واقعی» بازنمایی هویتی و اعتباری کنند.

– ضعف نهادهای امنیتی و اطلاعاتی: ناتوانی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در گردآوری اطلاعات، تحلیل، اشتراک‌گذاری و بازنمایی آن در قالبی جدید جهت درک شبکه‌های پنهان تهدید و ضریب غافلگیری اقدام بی‌تردید جبران‌ناپذیر خواهد بود. تکرار بازنمایی ضعف از یک‌سو اعتبار و اقتدار این نهاد را هدف قرار می‌دهد و از سوی دیگر، اعتماد به نفس گروه‌ها برای به چالش کشیدن دولت را افزایش داده و در نتیجه، تعدد عملیات‌های تروریستی تبدیل به اهرمی مهلک برای فرسایش توان و اقتدار این نهاد و به تبع آن دولت مرکزی خواهد شد (Rotberg, 2022 & Staniland, 2021).

۱-۳-۳- پویایی‌های ژئوپلیتیک و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ: مداخله یا عدم‌مداخله قدرت‌های خارجی و همچنین منافع متضاد آنها در منطقه، می‌تواند به صورت ناخواسته به تقویت یا تضعیف گروه‌ها و در نتیجه هم‌افزایی آنها منجر شود. در واقع، برخی قدرت‌ها ممکن است برای پیشبرد اهداف و منافع خود از گروه‌های خاصی حمایت (مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی) کنند که منجربه تقویت توان و ارتقای سطح تهدید این گروه‌ها خواهد شد. همچنین، منافع متضاد میان قدرت‌های بزرگ و بی‌میلی آنها برای اعمال قدرت جهت کنترل ناامنی و جبران ضعف دولت در مقابله با تسری بحران، زمینه را برای تقویت حضور گروه‌های تهدید و بهره‌گیری دیگر گروه‌ها از خلأ قدرت موجود فراهم می‌کند. از سوی دیگر، رقابت میان قدرت‌های بزرگ در یک منطقه می‌تواند به حمایت ناخواسته از گروه‌های متخاصم منجر شود. به‌عنوان مثال، اگر یک قدرت بزرگ از دولت مرکزی حمایت کند و قدرت دیگری به دنبال تضعیف آن دولت باشد، ممکن است به صورت غیر مستقیم از گروه‌هایی حمایت کند که با دولت در حال جنگ هستند (Larson & Shevchenko, 2023 & Jones & Milton, 2022).

۱-۳-۴- پیشرفت‌های تکنولوژیکی و شبکه‌های ارتباطی: اینترنت، رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی رمزگذاری شده، امکان هماهنگی غیر مستقیم، انتشار اطلاعات و الهام‌بخشی را بدون نیاز به تماس فیزیکی فراهم می‌کنند. در واقع، فناوری‌های نوین ارتباطی به گروه‌ها اجازه می‌دهد تا فراتر از محدودیت‌های جغرافیایی، هماهنگی‌های پنهان انجام دهند که می‌توان به امکان‌هایی که رسانه‌های

اجتماعی و اینترنت فراهم می‌کند اشاره کرد که از آن زمره: ۱. پروپاگاندا و جذب نیرو؛ ۲. الهام‌بخشی و آموزش؛ ۳. ارتباطات رمزگذاری شده؛ ۴. استفاده از فناوری‌های نوین در عملیات نظیر پهباد، هک و دیگر فناوری‌های نوظهور است (Kilcullen, 2021).

در مجموع، چارچوب نظری «هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون» ابزاری تحلیلی برای فهم پویایی‌های نوین در روابط میان دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی است. این چارچوب، امکان درک *ماهیت موقت، تطبیقی و فرصت‌محور اتحادها* را در شرایط هم‌راستایی اهداف میان گروه‌های ناهمگون فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه این هم‌افزایی می‌تواند به صورت تدریجی، بنیان‌های اقتدار و کارآمدی دولت مرکزی را فرسایش دهد. از این منظر، پاکستان به‌عنوان مطالعه‌ای موردی، نمونه‌ای گویا از انطباق این نظریه در بستر واقعی است؛ کشوری که در آن تعدد بازیگران غیر دولتی، ناهمگونی ایدئولوژیک و هم‌زمانی عملیات‌ها ساختاری از تهدید را پدید آورده که تنها از رهگذر چنین چارچوبی قابل تبیین است. بر این اساس، نظریه مزبور نه تنها در تبیین هم‌راستایی شبکه‌های تهدید در پاکستان راهگشا است، بلکه قابلیت تعمیم به الگوهای مشابه در دیگر محیط‌های شکننده و چند سطحی امنیتی را نیز دارد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از رویکرد کیفی-توصیفی-تحلیلی بهره گرفته و هدف آن، تبیین تغییر الگوی تهدیدات امنیتی در پاکستان در چارچوب نظریه «هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون» است. داده‌های پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند؛ شامل گزارش‌های رسمی نهادهای امنیتی و پژوهشی پاکستان، تحلیل‌های منتشر شده در رسانه‌های معتبر منطقه‌ای و بین‌المللی و مقالات علمی منتشر شده در پایگاه‌های پژوهشی. فرایند تحلیل داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوای استقرایی انجام شده تا الگوهای هم‌زمانی، هم‌افزایی و تطابق رفتاری گروه‌های تهدیدگر شناسایی و با مؤلفه‌های نظری هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون تطبیق داده شود. همچنین از روش تطبیقی درون موردی برای مقایسه عملکرد گروه‌های تروریستی و جدایی‌طلب در ایالت‌های بلوچستان، سند و خیبرپختونخوا استفاده شده است. اعتبار تحلیل‌ها از طریق «مثلث‌سازی داده‌ها» با ترکیب منابع رسمی، دانشگاهی و میدانی تقویت شده و کوشش شده تا برداشت‌ها با شواهد عینی و گزارش‌های آماری همخوانی داشته باشد.

۳. سازگاری نظری با تحولات جدید در پاکستان

پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی، تنوع قومی، تهدیدانگاری خارجی و هم‌زیستی ناهمگون گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب در پاکستان، بستری فراهم کرده که نظریه هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون به خوبی توان تبیین آن را دارد. پاکستان طی سال‌های اخیر شاهد افزایش حملات هم‌زمان و یا هم‌افزا میان گروه‌هایی با خاستگاه‌ها و انگیزه‌های متفاوت بوده است؛ از جمله تحریک طالبان پاکستان و داعش با جهت‌گیری مذهبی و گروه‌های جدایی‌طلب قومی مانند ارتش آزادی‌بخش بلوچستان و ارتش آزادی‌بخش سند. با وجود تفاوت‌های ایدئولوژیک، جغرافیایی و هدف‌گذاری، این گروه‌ها در یک نقطه به اشتراک رسیده‌اند: تضعیف اقتدار و مشروعیت دولت مرکزی پاکستان (شیرازی، ۲۰۲۵؛ داون، ۲۰۲۴). این هم‌راستایی ناهمگون، نمونه روشنی از همان الگوی «اتحاد عملکردی نانوشته» است که نظریه مزبور توضیح می‌دهد[۱].

۳-۱- بسترهای عینی هم‌افزایی در میدان امنیتی پاکستان

در پرتو این نظریه، فعالیت گروه‌های تهدید را می‌توان در سه حوزه اصلی تحلیل کرد:

- **بهره‌گیری از مناطق مرزی به‌عنوان جان‌پناه:** گروه‌های تروریستی و جدایی‌طلب، با تمرکز بر مناطق صعب‌العبور و مرزی، از خلأ قدرت و ضعف نفوذ دولت مرکزی برای ایجاد پایگاه‌های امن بهره‌برداری کرده‌اند. این مناطق نه تنها امکان تحرک تاکتیکی را افزایش می‌دهند، بلکه کنترل و نظارت دولت را به چالش می‌کشند. هم‌زمان، پراکندگی جغرافیایی تهدید موجب تحلیل منابع امنیتی دولت شده و مصداقی روشن از «فرسایش تدریجی اقتدار» است که در چارچوب نظری یاد شده مورد تأکید قرار می‌گیرد.
- **تمرکز بر اهداف اقتصادی و زیرساختی**: یکی از وجوه بارز تغییر الگوی تهدید در پاکستان، انتقال تمرکز از اهداف نظامی و مذهبی به زیرساخت‌های اقتصادی و پروژه‌های راهبردی نظیر کریدور اقتصادی چین-پاکستان است. این تغییر جهت، چند هدف را برای گروه‌های تهدید تأمین می‌کند: از یک‌سو، استمرار ناامنی و آشفتگی در پهنه جغرافیایی کشور را تضمین می‌کند و از سوی دیگر، با هدف

---

۱ - در این چارچوب مطالعه مقالات ذیل مفید خواهند بود: شفیعی، نوذر (۱۴۰۱). مسئله‌ها و روندهای استراتژیک در افغانستان، *مطالعات خاورمیانه*، ۲۹ (۴)، ۹۸-۱۱۰؛ دلیلی، شهاب (۱۴۰۱). تلاقی درماندگی دولت‌ها-سرخوردگی ملت‌ها. مطالعات *خاورمیانه*، ۲۹ (۴)، ۷۶-۶۵. کیانی، احسان؛ افراخته، حسین و آشنا، مهدی (۱۴۰۲). بازیگران مؤثر بر شبکه حقانی در افغانستان. *مطالعات خاورمیانه*، ۳۰ (۲)، ۱۰۵-۱۲۷.

قرار دادن پروژه‌هایی چون سی‌پک، اعتبار دولت و شراکت راهبردی اسلام‌آباد با پکن را تضعیف می‌سازد. در عمل، این الگو تلاشی است برای ضربه زدن به تنها منبع نجات اقتصادی پاکستان از ورطه فروپاشی مالی و در نتیجه، تشدید فرسایش نهادی در سطح دولت.

- **بهره‌گیری از نفوذ خارجی و جنگ نیابتی پنهان:** در این میان، نقش عوامل بیرونی نیز قابل توجه است. هم‌زمانی تنش‌های مرزی با هند، ناامنی در افغانستان و رقابت‌های منطقه‌ای، موجب شده که اسلام‌آباد افزایش ناگهانی تهدیدات را ناشی از «دست‌های خارجی» بداند. گسترش حوزه عملیات و نفوذ شبکه‌های تهدید در مرزهای شرقی و غربی کشور، علاوه بر فرسایش منابع نظامی، موجب ایجاد خطای تحلیلی و شناختی در نهادهای امنیتی پاکستان شده و طراحی میدان رزم و تمرکز عملیاتی دولت را دشوار ساخته است (Wojciechowski, 2025; OECD, 2025). این وضعیت، خود نمونه‌ای از تسری بحران و بی‌ثباتی در چارچوب فرا مرزی است که نظریه هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون آن را پیش‌بینی می‌کند.

مقایسه تطبیقی گروه‌های فعال تهدیدگر در پاکستان ۲۰۲۳-۲۰۲۵

ویژگی / شاخص‌ها	تحریک طالبان پاکستان	ارتش آزادی‌بخش بلوچستان	داعش خراسان
نوع گروه	تروریستی مذهبی افراطی	جدایی‌طلب قومی-سیاسی	جهادی فرا ملی
اهداف اصلی	برقراری امارت اسلامی در پاکستان و اجرای شریعت	استقلال بلوچستان یا خودمختاری اقتصادی	گسترش خلافت اسلامی در جنوب و مرکز آسیا
مناطق فعالیت	خیبرپختونخوا، وزیرستان، سوات	بلوچستان (گوادر، خضدار، کویته)	مرزهای افغانستان-پاکستان، کابل، بلوچستان
اهداف عملیاتی اخیر	نیروهای نظامی، ایست‌های بازرسی، تأسیسات دولتی، زیرساخت	اتباع چینی، پروژه‌های سی‌پک، معادن و خطوط گاز	غیر نظامیان، مراکز مذهبی و خارجی‌ها
الگوی جدید تهدید	انتقال حملات از مناطق مرزی به شهرهای مرکزی	تمرکز بر زیرساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی	استفاده از شبکه‌های سایبری و حملات انتحاری چند لایه
نوع هم‌افزایی با دیگر گروه‌ها	همکاری تاکتیکی غیر رسمی با ارتش آزادی‌بخش بلوچستان در پراکندگی تهدیدات	هم‌زمانی عملیاتی با تحریک طالبان و داعش در حملات زیرساختی	الهام‌گیری و پوشش ایدئولوژیک مشترک
پیامد برای دولت پاکستان	تحلیل نیروهای امنیتی و افزایش فشار میدانی	تضعیف سرمایه‌گذاری خارجی و مشروعیت دولت	بی‌ثباتی در مرزهای غربی و افزایش تهدید فرا ملی

(تحلیل و بازآفرینی نگارنده بر اساس داده‌های پژوهش)

۳-۲- شواهد میدانی از هم‌افزایی گروه‌های تهدید

داده‌های میدانی و گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که هم‌زمانی و هم‌راستایی عملکرد گروه‌های تروریستی در پاکستان، دیگر تصادفی نیست. بر اساس گزارش‌های امنیتی، نشانه‌هایی از هماهنگی غیر رسمی میان تحریک طالبان و گروه‌های جدایی‌طلب سند و بلوچ مشاهده شده است. این هماهنگی، با وجود فقدان ساز و کار رسمی، از طریق زمان‌بندی هم‌پوشان عملیات‌ها، انتخاب اهداف مشابه و تمرکز بر جغرافیای راهبردی واحد قابل ردیابی است. نتیجه این هم‌زمانی‌ها دوگانه بوده است: از یک‌سو، پراکندگی تمرکز نیروهای نظامی و امنیتی در سراسر کشور را در پی داشته و از سوی دیگر، اعتبار دولت در تسری امنیت به تمامی پهنه مرزی و شهری را به چالش کشیده است. این الگو، مصداق کامل

«اتحاد موقت اما مؤثر» است که در نظریه هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون به‌عنوان یکی از ساز و کارهای فرسایش اقتدار دولت مطرح می‌شود.

۳-۳- جغرافیای جدید تهدید: از مرز به متن کشور

تحلیل مکانی حملات طی دو سال اخیر نشان می‌دهد که جغرافیای تهدید در پاکستان دستخوش تغییر اساسی شده است. اگر در گذشته، بیشتر عملیات‌ها به مناطق مرزی و پیرامونی محدود می‌شد، اکنون حملات به مناطق صنعتی و مراکز شهری نسبتاً آرام نیز گسترش یافته است. این گسترش، نه تنها کنترل دولت را در مناطق پیرامونی به چالش می‌کشد، بلکه نشان‌دهنده افزایش توان تطبیق و نفوذ شبکه‌های تهدید در سراسر کشور است. نمونه‌های زیر مؤید این روند هستند:

- عملیات ارتش آزادی‌بخش بلوچ علیه کارگران چینی (مارس ۲۰۲۴) در منطقه دشت‌کی (حوالی گوادر–پروژه سی‌پک) که منجر به کشته شدن چندین تبعه چینی شد؛
- حمله به خطوط انتقال گاز پنجاب (مه ۲۰۲۴) با هدف اختلال در پروژه‌های زیرساختی مرتبط با سی‌پک؛
- انفجار در جاده کاراکروم (ژوئن ۲۰۲۵) در ایالت خیبرپختونخوا که شبکه مواصلاتی چین و پاکستان را هدف قرار داد (Shtuni, 2025).

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های تهدید با درک نقاط آسیب‌پذیری اقتصادی دولت پاکستان، راهبردی حساب شده برای ضربه زدن به شریان‌های حیاتی اقتصاد کشور اتخاذ کرده‌اند.

۴. داده‌های آماری و دلالت‌های امنیتی

گزارش مرکز تحقیقات و مطالعات امنیتی پاکستان (CRSS, 2025) به روشنی نشان می‌دهد که سال ۲۰۲۴ مرگبارترین سال برای نیروهای نظامی و غیر نظامی پاکستان بوده است. در این سال، ۲۵۶۴ نفر کشته شدند که ایالت خیبرپختونخوا با ۱۶۱۶ و ایالت بلوچستان با ۷۸۲ کشته بیشترین تلفات را داشته‌اند. همچنین، از میان حدود ۷۰۰ نیروی نظامی و امنیتی کشته شده، دست‌کم ۴۴۴ نفر در حملات تروریستی جان باخته‌اند. افزایش ۶۶ درصدی تلفات نسبت به سال ۲۰۲۳ و شدت حملات در ماه نوامبر ۲۰۲۴، مؤید گسترش کمّی و کیفی تهدیدها است.

این داده‌ها به وضوح با مفروضه‌های نظریه هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون همخوان است: پراکندگی جغرافیایی اقدام، هم‌زمانی حملات و تغییر اهداف از نظامی به اقتصادی، همه نشانه‌های فرسایش

تدریجی اقتدار دولت از درون هستند. در نتیجه، می‌توان گفت که پاکستان به‌عنوان یک مطالعه موردی، مصداق بارزی از تعاملات ناهمگون اما هم‌افزای شبکه‌های تهدید است؛ پدیده‌ای که نه تنها معادلات امنیت داخلی را دگرگون کرده، بلکه در حال بازتعریف جایگاه پاکستان در معادلات امنیتی منطقه‌ای نیز هست.

الف) تغییر الگوی ترور و تهدید در بلوچستان و تأثیرات بر پروژه‌های راهبردی

ارتش آزادی‌بخش بلوچستان طی دهه‌های اخیر، به دلایل متعددی ازجمله سهم‌یابی ناعادلانه ایالت از منابع طبیعی و محرومیت‌های اقتصادی، همواره در تضاد با دولت مرکزی پاکستان قرار داشته است. در سال‌های اخیر، این درگیری‌ها از سطح محدود به شکل جدی‌تری ارتقا یافته و هم‌زمان با گسترش حضور و نفوذ چین در سواحل بلوچستان، افزایش سرمایه‌گذاری در بندر گوادر و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی مانند بندرگاه‌های کوچک ماهیگیری، پایگاه‌های نظامی و کریدورهای بین‌المللی، گروه‌های شبه نظامی مطالبات خود را با شدت بیشتری پیگیری کرده‌اند. ناکامی دولت مرکزی در پاسخ‌دهی به این مطالبات و افزایش حضور میلیاردی چین در پاکستان، از منظر این گروه‌ها به‌عنوان اهرمی برای فشار بر اسلام‌آباد تعبیر شده است (Verma & Baloch, 2025).

پاکستان با درک اهمیت استراتژیک پروژه‌های چینی به‌ویژه سی‌پک برای خروج چین از تنگنای تنگه مالاکا و باریکه‌های مالزی و سوماترا، سرمایه‌گذاری‌های میلیاردی چین را فرصتی برای مقابله با بحران اقتصادی داخلی و ارتقای زیرساخت‌ها در مناطق توسعه نیافته تلقی کرده است. این تعاملات، فارغ از اهداف راهبردی چین در جنوب آسیا، حساسیت پاکستان نسبت به دارایی‌های استراتژیک خود را افزایش داده و این کشور را به حلقه‌ای کلیدی در اتصالات منطقه‌ای تبدیل کرده است. سی‌پک، علاوه بر نقش اقتصادی، پروژه‌ای با اهمیت امنیتی بالاست که می‌تواند پاکستان را در مقابل بحران‌های داخلی و خارجی به نقطه‌ای محوری تبدیل کند.

هم‌زمانی چند بحران داخلی و منطقه‌ای، فشار بر پاکستان را افزایش داده است؛ از جمله بحران امنیتی طولانی در خطوط مرزی ۲۲۴۰ کیلومتری با افغانستان، تغییر ماهیت تهدید گروه‌های تروریستی پاکستان‌پایه مانند تحریک طالبان، تمرکز احتمالی داعش بر خاک پاکستان، بحران سیاسی پس از برکناری عمران‌خان، فشارهای صندوق بین‌المللی پول، کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کمک کشورهای حوزه خلیج‌فارس و تشدید مشکلات اقتصادی. این مجموعه بحران‌ها، پاکستان را به سمت مدیریت

سطح تنش در داخل و خارج از مرزها و حتی اتخاذ سیاست‌هایی نسبتاً مداراگرانه با هند سوق داده است (Salman & Usmani, 2025; Jarvis & Lister, 2025).

گروه‌های افراطی درک کرده‌اند که پروژه‌های چین در پاکستان، به‌ویژه سی‌پک، نقطه ضعف امنیتی دولت است و از این رو، تلاش دارند هزینه‌های پروژه را از مسیرهای مختلف افزایش دهند؛ از تخریب زیرساخت‌ها و حمله به متخصصان چینی تا ایجاد شبکه‌ای موقت از همکاری با دیگر گروه‌های تروریستی، هرچند شواهد مستقیم محدود باشد؛ اما تحلیل روند اقدامات گروه‌های تندرو در پاکستان پس از سال ۲۰۲۴ نشان‌دهنده هم‌راستایی عملیاتی و هم‌زمانی اقدامات آنها است (اقبال، ۲۰۲۴).

اظهارنظر شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، پس از حملات تروریستی ماه اوت گویای این نگرش است: «هدف شبه نظامیان جدایی‌طلب توقف پروژه‌های توسعه‌ای است که بخشی از کریدور اقتصادی چین و پاکستان را تشکیل می‌دهند؛ تروریست‌ها می‌خواهند سی‌پک و دیگر پروژه‌های زیرساختی را ویران کنند و میان پکن و اسلام‌آباد شکاف ایجاد کنند» (رائے، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، تحلیلگران چینی معتقد هستند دستاوردهای سی‌پک برای چین فراتر از تهدیدات گروه‌های افراطی است و در آغاز پروژه، خطرات مرتبط با ناامنی در بلوچستان و خیبرپختونخوا، نزدیکی به مرز افغانستان و فعالیت گروه‌های جدایی‌طلب در محاسبات اولیه لحاظ شده است.

احسان‌الله محسود، یکی از مؤسسین «خاطرات خراسان»، پس از حمله به محله چینی‌های کابل در دسامبر ۲۰۲۲، نوشت: «شبه نظامیان بلوچ دریافته‌اند که برای پیشبرد اهداف خود، ناامن‌سازی حضور چینی‌ها ضروری است و باید چین را وادار به مذاکره کنند». این نشان می‌دهد که گروه‌های جدایی‌طلب، کمک‌های مالی و فنی چین به پاکستان را عاملی برای تقویت قدرت داخلی اسلام‌آباد و ارتقای جایگاه این کشور در صحنه بین‌المللی می‌دانند که در نهایت می‌تواند موجب جلب حمایت‌های مالی و سیاسی بیشتر شود (Ghufran & Breuer, 2024; dfat, 2025).

با این حال، وعده‌های دولت و سرمایه‌گذاران چینی در آغاز پروژه برای کاهش بیکاری، ارتقای رفاه، بهبود شرایط زندگی و تقویت امنیت محلی، پس از گذشت تقریباً یک دهه تحقق ملموس نداشته است. این امر باعث شده روایت گروه‌های جدایی‌طلب مبنی بر چپاول منابع منطقه توسط دولت مرکزی تقویت شده و اعتماد عمومی نسبت به روایت رسمی به شدت کاهش یابد که خود موجب تشدید چرخه تنش و تهدیدات امنیتی در بلوچستان و مناطق پیرامونی شده است.

ب) حمله به زیرساخت‌ها و پیامدهای آن بر امنیت و اقتصاد پاکستان

در ماه‌های اخیر، هم‌زمانی بحران سیاسی و امنیتی در پاکستان، توجهات را به چالش‌های راهبردی این کشور جلب کرده است. از یک‌سو، اجتماعات خیابانی طرفداران عمران‌خان و بحران‌های ناشی از ناکامی‌های سیاسی، تصویر ناپایدار حکومت را تقویت کرده و از سوی دیگر، حملات گروه‌های شبه نظامی به کاروان مهندسان چینی، حساسیت اسلام‌آباد به استمرار بحران و ارتباط آن با مسائل کلان اقتصادی و امنیتی را آشکار کرده است. در چنین شرایطی که پاکستان در میانه بحران اقتصادی و تلاش برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی، بر میزبانی شایسته و کسب دستاوردهای حداکثری از اجلاس شانگهای متمرکز بود، گروه‌های تروریستی با بهره‌گیری از فرصت، فشار بر دولت را افزایش داده‌اند.

طی سال‌های اخیر، پاکستان برای جبران کمبود بودجه به کشورهای حوزه خلیج‌فارس، چین، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول چشم دوخته بود. با این حال، دو گزینه آخر به دلیل پیش‌شرط‌های سیاسی و فشارهای خارجی از اولویت دولت خارج شدند و اسلام‌آباد تمرکز خود را بر گسترش همکاری با سازمان‌هایی چون بریکس و بهره‌مندی از منابعی مانند وام‌های بدون پیش‌شرط بانک توسعه جدید قرار داد (Blair, 2024).

رصد تحولات داخلی پاکستان نشان از تغییر الگوی عملیات گروه‌های تندرو و جدایی‌طلب دارد. هم‌راستایی عملیاتی گروه‌هایی مانند تحریک طالبان، داعش و تحفظ با اهداف ارتش آزادی‌بخش بلوچستان و الهام‌گیری آنها از الگوی «اتحاد رمز پیروزی» طالبان در به قدرت رسیدن در کابل، موجب افزایش هماهنگی و سطحی از همکاری میان این گروه‌ها شده است. آنها دریافته‌اند که همکاری محدود می‌تواند توان ضربه‌زنی به ظرفیت دولت در مدیریت بحران را به شکل مضاعف افزایش دهد.

پاشنه آشیل دولت پاکستان، حوزه زیرساخت و استمرار همکاری با بازیگران خارجی است؛ همان‌طور که در سند امنیت ملی عمران‌خان (۲۰۲۳) نیز تصریح شده، پاکستان به ناچار باید پیوند با پروژه‌های ابرزیرساختی و توسعه‌ای را تقویت کند. این تمرکز، گروه‌های افراطی و مخالفان دولت مرکزی را بر آن داشته تا حملات هدفمند علیه شهروندان چینی و زیرساخت‌های حیاتی و پروژه‌های عمرانی را افزایش دهند (رائے، ۲۰۲۴). نمونه‌های بارز این روند عبارت هستند از:

۱. بمب‌گذاری انتحاری نیروگاه بندر قاسم در حوالی فرودگاه کراچی (۶ اکتبر) که منجر به مرگ دو مهندس چینی شد (ET, 2024).

۲. حمله به پروژه نیروگاهی داسو در شهر بشام، ایالت خیبرپختونخوا (۲۶ مارس ۲۰۲۴) که طی آن پنج مهندس چینی جان باختند.
۳. حمله به کنسولگری چین در کراچی
۴. حمله انتحاری به مؤسسه کنفوسیوس دانشگاه کراچی (۲۰۲۲) که سه معلم چینی کشته شدند.
۵. حمله تیپ مجید ارتش آزادی‌بخش بلوچستان به مجتمع بندری گوادر که منجر به افزایش تدابیر امنیتی در مناطق عمرانی و حفاظت از اتباع چینی شد (Hussain, 2024).

تحلیل حملات نشان می‌دهد که ارتش آزادی‌بخش بلوچستان با اهداف جدایی‌طلبانه و مطالبه سهم عادلانه از منابع طبیعی ایالت، تمرکز خود را بر زیرساخت‌ها و اهداف اقتصادی معطوف کرده است. گزارش مؤسسه مطالعات صلح اسلام‌آباد (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که تعداد حملات این گروه در سال ۲۰۲۲، ۱۱۰ حمله بوده و تنها در سه ماهه نخست ۲۰۲۴، ۶۲ حمله ثبت شده که افزایش سطح خشونت را نشان می‌دهد (Siddique, 2024).

ارتش آزادی‌بخش بلوچستان در بیانیه‌ای به دولت چین هشدار داده که در صورت ادامه همکاری اقتصادی با پاکستان و حفظ «اتحاد غیر قانونی»، ظرف ۹۰ روز پاسخ جدی دریافت خواهد شد (Mohanty, 2024). این اقدام نشان‌دهنده تمرکز جدی گروه‌های جدایی‌طلب بر شکستن پیوندهای اقتصادی و امنیتی پاکستان با بازیگران خارجی و فشار حداکثری بر دولت است.

حملات اخیر، گفتگوهای مقامات دو کشور در حاشیه اجلاس شانگهای را تحت تأثیر قرار داده و توجه ویژه‌ای به تضمین امنیت اتباع و سرمایه‌گذاری‌های چینی در پاکستان جلب کرده است. تیپ مجید و دیگر گروه‌های افراطی، دستورکار مشخصی برای هدف قرار دادن اتباع چینی دارند و این روند می‌تواند پیامدهای جدی بر همکاری‌های آینده چین و پاکستان داشته باشد؛ از جمله افزایش مسئولیت چینی‌ها در تأمین امنیت پروژه، تقویت همکاری‌های ضد تروریستی و یا کاهش اعتماد چین به مسیر پاکستان (Helmy, 2025; Shaikh, 2025).

تمرکز تهدید بر زیرساخت‌ها، پیامدهای عمیقی بر ادراک و عملکرد نهادهای نظامی و امنیتی پاکستان داشته است. تجربه جنگ هند و پاکستان (۲۰۲۵) نشان داد که تهدید هم‌زمان گروه‌های شبه نظامی، مانند تحریک طالبان و ارتش آزادی‌بخش بلوچستان، موجب پراکندگی نیروها و ایجاد چالش در حلقه فرماندهی رزم پاکستان شد؛ تجربه‌ای که اهمیت تمرکز بر امنیت زیرساخت‌ها و مدیریت هماهنگ تهدیدات داخلی و خارجی را بیش از پیش برجسته می‌کند.

ساز و کارهای نظری «هم‌افزایی فرسایشی ناهمگون» در میدان امنیتی پاکستان

مؤلفه نظری	تبیین نظری	مصداق میدانی در پاکستان	پیامد بر اقتدار دولت
پراکندگی تهدید	گسترش هم‌زمان عملیات در چند جغرافیا موجب کاهش تمرکز دولت می‌شود.	حملات هم‌زمان در بلوچستان، سند و خیبرپختونخوا (۲۰۲۴)	تحلیل منابع نظامی و افزایش هزینه‌های امنیتی
اتحاد تاکتیکی موقت	گروه‌های ناهمگون به صورت کوتاه مدت و غیر ایدئولوژیک همکاری می‌کنند.	همکاری پنهان تحریک طالبان و ارتش آزادی‌بخش بلوچستان در هدف‌گیری پروژه‌های چینی	افزایش سطح ضربه‌پذیری زیرساخت‌ها
الهام متقابل	گروه‌ها از موفقیت و تاکتیک یکدیگر الگوبرداری می‌کنند.	الگوگیری داعش خراسان از تاکتیک‌های حملات انتحاری بلوچ‌ها	به روز شدن الگوی خشونت و افزایش پیچیدگی امنیتی
کاهش مشروعیت دولت	ناکامی دولت در کنترل تهدیدات موجب بی‌اعتمادی عمومی می‌شود.	افزایش حملات ۲۰۲۴ و واکنش ناکافی اسلام‌آباد	تضعیف سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی دولت
افزایش شکاف‌های اجتماعی	ناامنی مداوم موجب افزایش تمایلات قومی و مذهبی می‌شود.	تشدید تنش‌های قومی در بلوچستان و سند	فرسایش انسجام ملی و ناتوانی دولت در بازسازی اعتماد عمومی

(تحلیل و بازآفرینی نگارنده بر اساس داده‌های پژوهش)

نتیجه

همان‌گونه که ذکر آن رفت، افزایش شمار حملات تروریستی علیه متخصصان چینی، پروژه‌های عمرانی و نیروهای امنیتی در پاکستان گمانه تغییر الگوی تهدیدات امنیتی در این کشور را مطرح کرده است. بر این اساس، گروه‌های شبه نظامی همچون داعش خراسان و تحریک طالبان در ازای تقویت جغرافیای نفوذ و امکان‌های خود در پهنه سرزمینی پاکستان در راستای اهداف ارتش آزادی‌بخش بلوچستان گام برداشته‌اند. نشانگان مستدل در اثبات این پیوند و همکاری وجود ندارد ولی رصد اقدام و هم‌راستایی نتایج و تغییر الگوی عملیاتی این گروه‌ها گواه از سطحی از همراهی دارد.

پژوهش حاضر جهت سامان‌دهی این مدعا در چارچوبی نظری از امکان‌ها و دستاوردهای دیگر رشته‌ها نظیر زمین‌شناسی و زلزله بهره گرفته و آن را در قالبی نوین مطرح کرده است؛ به دیگر سخن، این نوشتار ضمن تدقیق در «درک تغییر در الگوی تهدیدات امنیتی در پاکستان» چارچوبی نظری را در

بن‌مایه «هم‌افزایی ناهمگون فرسایشی» قرار داده و با تکیه بر داده‌ها و آورده‌های مطالعات امنیتی در باب گروه‌های تروریستی، گروه‌های خشونت‌ورز، جرائم سازمان یافته و شبکه فرا مرزی تهدید سعی در معنابخشی به این چارچوب نظری در قالبی نوین داشته است. به دیگر سخن، نویسنده شرحی بر هم‌افزایی ناهمگون فرسایشی به‌عنوان دریچه‌ای برای درکِ الگوهای امنیتی گروه‌های تهدید و آثار و پیامدهای آن بر نهاد دولت مرکزی نگاشته است.

بر همین اساس، اقدامات نظیر عملیات انتحاری تیپ مجید ارتش آزادی‌بخش بلوچستان علیه اتباع چینی و همچنین بزرگراه‌ها، راه‌آهن، پل‌ها و معادن که موجب بازبینی چین درباره ادامه همکاری با پاکستان ذیل سی‌پک شد، به‌عنوان مصداقی برای چرایی هدف‌گزینی جدید گروه‌های شبه نظامی جهت افزایش هزینه‌های امنیتی، تقویت تردید طرف چینی از ادامه همکاری، انتفاع از بخشی از سود حاصل از پروژه در آینده، شکست تصویر اقتدار امنیتی و نظامی پاکستان و ارائه تصویری از آشوب در سراسر پهنه سرزمینی پاکستان است. این مسئله زمانی شکل جدی به خود می‌گیرد که تغییر الگوی تهدید دیگر گروه‌ها نظیر تحریک طالبان پاکستان در حمله به زیرساخت‌ها و شهرهایی که پیش‌تر از جغرافیای اقدام گروه‌های تهدید دور بودند، نیز مد نظر قرار گیرد.

در واقع، به تأکید می‌توان گفت هم‌زمانی عملیات گروه‌های تهدید و جدایی‌طلب با اعتراضات سیاسی و اجتماعی، توان و ظرفیت دولت مرکزی را به چالش کشیده و در این باب گمانه‌های متعددی مطرح است؛ الف) مشارکت امنیتی و نظامی بیشتر چین در پاکستان؛ ب) بازتعریف سطح همکاری‌های اقتصادی و به طور کلی بازبینی ابرپروژه ابتکار کمربند، راه، که در صورت تحقق، حائز نشانگان جدی برای هند، آمریکا و ایران خواهد بود.

در ماه‌های اخیر دولت پاکستان تلاش بسیاری برای مدیریت بحران و تزلزل در پیوندهای ارتش آزادی‌بخش بلوچستان با بدنه اجتماعی و در ادامه آن کاهش سطح نارضایتی عمومی کرده که به نظر نمی‌رسد موفقیت چندانی حاصل شده باشد. با توجه به میزبانی پاکستان در شانگهای و تلاش برای عضویت در بریکس و استفاده از حمایت‌های مالی اعضا بحران امنیتی و تثبیت روایتِ ناتوانی دولت مرکزی در مدیریت آن در پهنه سرزمینی آثار جدی در حوزه عملکردی این کشور در میادین خارجی خواهد داشت.

فهرست منابع

منابع غیر فارسی

1- Abbas, H. (2020). The synergy of terror: How Pakistani militant groups collaborate. *Studies in Conflict & Terrorism, 43*(5).
2- Aljazeera. (2024, October 14). *Pakistan capital under security lockdown before regional SCO summit*. https://www.aljazeera.com/news/2024/10/14/pakistan-capital-under-security-lockdown
3- Asal, V., et al. (2022). When terrorists ally: The dynamics of terrorist group cooperation. *Journal of Conflict Resolution, 66*(3).
4- Berti, B., & Paris, J. (2020). *Fragility and instability in the Middle East: The erosion of state authority in times of turmoil*. Routledge.
5- Blair, A. (2024, October). *BRICS Bank will complement, not challenge, IMF and World Bank – expert*. Investment Monitor. https://www.investmentmonitor.ai/features/brics-bank
6- Byman, D. (2020). *Road warriors: Foreign fighters in the armies of jihad*. Oxford University Press.
7- Christia, F. (2021). *Alliance formation in civil wars*. Cambridge University Press.
8- CRSS. (2025). *CRSS Annual Security Report 2024*. Center for Research and Security Studies. https://crss.pk/2024-security-report
9- DFAT. (2025). *Country Information Report: Pakistan*. https://www.dfat.gov.au/sites/default/files/country-information-report-pakistan.pdf
10- ET. (2024, October 16). *Pakistan vows commitment to Chinese nationals' safety amid terror attacks on ports*. https://economictimes.indiatimes.com/defence/pakistan-china-safety
11- Fearon, J. D., & Laitin, D. D. (2020). Weak states, rough terrain, and large-scale ethnic violence since 1945. *Annual Review of Political Science, 23*.
12- Findley, M. G., & Young, J. K. (2022). Terrorism, spoiling, and the resolution of civil wars. *Journal of Politics, 84*(1).
13- Ge, T., & Hao, Z. (2025). How environmental policy synergy can enhance urban ecological resilience. *Humanities and Social Sciences Communications, 12*. **Doi:10.1038/s41599-025-04993-8**
14- Ghufran, B., & Breuer, W. (2024). Terrorism, national security, and takeover performance. *International Review of Financial Analysis, 96*(B).
15- Gutiérrez-Sanín, F., & Wood, E. J. (2023). What should we mean by 'hybrid warfare'? *International Affairs, 99*(2). https://doi.org/10.1093/ia/iiac305
16- Helmy, N. (2025, May 10). *CPEC vs. IMEC: India-Pakistan tensions in a new geoeconomic rivalry*. Modern Diplomacy. https://moderndiplomacy.eu/2025/05/10/cpec-vs-imec
17- HT News Desk. (2024, August 27). *Balochistan attacks aimed at stopping China cooperation*. Hindustan Times. https://www.hindustantimes.com/world-news/balochistan-attacks
18- Hussain, A. (2024, March 20). *Pakistan's Gwadar port attacked, eight armed fighters killed*. Aljazeera. https://www.aljazeera.com/news/2024/3/20/gwadar-attack
19- International Crisis Group. (2022). *Pakistan: Militant Groups in the FATA-Punjab Nexus* (Asia Report No. 321).
20- Jarvis, L., & Lister, M. (2025). Critical security research and the war on terror. *European Journal of International Security*. **Doi:10.1017/eis.2025.4**
21- Jones, B., & Milton, D. (2022). Proxy warfare in the 21st century. *Survival, 64*(1), 115–142. **Doi:10.1080/00396338.2022.2032619**

22- Kilcullen, D. (2021). *The dragons and the snakes: How the rest learned to fight the West*. Oxford University Press.
23- Larson, D. W., & Shevchenko, A. (2023). Managing rising powers: The role of status concerns. *International Security, 47*(4). **Doi:10.1162/isec_a_00452**
24- Mohanty, T. R. (2024, October 15). *Pakistan: Balochistan Boiling*. Eurasia Review. https://www.eurasiareview.com/15102024-pakistan-balochistan
25- OECD. (2025). *States of Fragility 2025*. https://www.oecd.org/fragility/states-of-fragility-2025
26- Phillips, B. J. (2021). Terrorist group cooperation and longevity. *International Studies Quarterly, 65*(2).
27- Rana, M. A. (2017). *The A to Z of Terrorism in South Asia*. Oxford University Press.
28- Rotberg, R. I. (2022). Governance and fragile states: The corruption factor. *Journal of Intervention and State building, 16*(3). **Doi:10.1080/17502977.2022.2078956**
29- Salman, M., & Usmani, S. (2025, May 19). *Balochistan: CPEC, Anti-China Sentiment and the Way Ahead*. LSE Blog. https://blogs.lse.ac.uk/southasia/2025/05/19/balochistan
30- Shaikh, F. (2025, April 16). *The hijacking of a train marks a watershed in the Balochistan insurgency*. Chatham House. https://www.chathamhouse.org/2025/03/train-hijacking
31- Shtuni, A. (2025). *The Islamic State in 2025: An evolving threat facing a waning global response*. ICCT. https://icct.nl/publication/islamic-state-2025
32- Siddiqa, A. (2023). The new face of terrorism in Pakistan: Hybrid alliances. *Brookings Institution*. https://www.brookings.edu/research/pakistan-terrorism
33- Siddique, A. (2024, April 23). *What's behind the deadly surge of violence in Pakistan's Balochistan?* RFERL. https://www.rferl.org/a/pakistan-balochistan-violence
34- Staniland, P. (2021). *Ordering violence: Explaining armed group-state relations from conflict to cooperation*. Cornell University Press.
35- Stein, M. (2024, October 14). *Pakistan under pressure to protect CPEC projects*. Foreign Military Studies Office. https://fmso.tradoc.army.mil/2024/pakistan-cpec
36- UN Security Council. (2021). *Report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team Concerning ISIS, Al-Qaida and Associated Groups* (S/2021/68).
37- UN Security Council. (2022). *Report on ISIS, Al-Qaida, and associated entities* (S/2022/83).
38- Verma, A., Baloch, I., & Valle, R. (2025). *The Baloch Insurgency in Pakistan: Evolution, tactics, and regional implications*. Cambridge Terrorism Center. https://ctc.westpoint.edu/baloch-insurgency
39- Walter, B. F. (2022). *How civil wars start: And how to stop them*. Penguin Random House.
40- Weimann, G. (2023). Terrorism in cyberspace: The next generation. *Studies in Conflict & Terrorism, 46*(5). **Doi:10.1080/1057610X.2022.2151387**
41- Wojciechowski, S. (2025). *The hybrid dimension of contemporary terrorism and critical infrastructure*. Terrorism – Studies, Analyses, Prevention. https://www.abw.gov.pl/ftp/terrorism-special-2025
42- Zahid, F. (2021). The evolution of TTP and its links with regional militant groups. *CTC Sentinel, 14*(4).
۴۳-اقبال، محمد محسن(۱۱ اکتبر ۲۰۲۴). چینی شہریوں پر حملوں سے کون فائدہ اٹھا رہا ہے؟. در:
https://dailypakistan.com.pk/11-Oct-2024/1763442
۴۴-داون (۲۰۲۴)، مئی سے متعلق فوج کے مؤقف میں کوئی تبدیلی آئی، نہ آئےگی، ڈی جی آئی ایس پی آر، داون نیوز. در: https://www.dawnnews.tv/news/1239326

۴۵-رائے، ارپن (۹ اکتوبر ۲۰۲۴)، پاکستان میں چینی کارکنوں پر بڑھتے حملے ترقیاتی منصوبوں کو متاثر کر سکتے ہیں؟. در: https://www.independenturdu.com/node/176260

۴۶-شیرازی، افتخار (۲۰۲۵)، گوادر: سیکیورٹی فورسز کی گاڑی پر دہشت گردوں کا حملہ، پاک فوج کے ۱۴ اہلکار شہید، داون نیوز. در: www.dawnnews.tv/news/1215269